

Doping and Investigating CAS Arbitration against Doping*Mehdi Zahedi¹, Ali Dadgar², Seyyed Ghasem Zamani³, Aramesh Shahbazi⁴***Abstract**

Doping is the most important issues in national and international sports events which are contrary to the values of Olympic Movement and spirit of sport. IOC activities in fighting against doping led to establish World Anti-Doping Agency (2003) and all national and international sport organizations obliged to follow the WADA code (2005). EUNESCO convention was signed by 139 countries and become enforceable. Nevertheless, more doping cases arose. Specially the Russian doping scandal before Rio Olympic Game (2016). IOC decided to establish new CAS Division (Anti-Doping Division). CAS-ADD started working in Rio Olympic Games. CAS-ADD works under Swiss Law and accept doping-related matters, appoint a panel (independent and qualified), rule on WADA code and general principles of law (due process and procedure law), decision making within 24 hours-if necessary after the game, jurisdiction over subsequent retesting of samples during games. CAS demonstrated independence and capability in Rio games.

Keywords

Doping, CAS, WADA

1. Associate Professor in Allameh Tabataba'i University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: mehdii_zahedii@yahoo.com

2. PhD candidate of general international law, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran.

3. Associate Professor in Allameh Tabataba'i University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran.

4. Associate Professor in Allameh Tabataba'i University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran.

Original Article

Received: 6 May 2018

Accepted: 21 July 2018

Please cite this article as: Zahedi M, Dadgar A, Zamani SG, Shahbazi A. Doping and Investigating CAS Arbitration against it. Iran J Med Law 2018; 12(45): 171-190.

دوپینگ و واکاوی رویه دیوان داوری ورزش در مقابله با آن

مهدی زاهدی^۱

علی دادگر^۲

سیدقاسم زمانی^۳

آرامش شهبازی^۴

چکیده

دوپینگ یکی از مهم‌ترین موضوعات در رویدادهای ورزشی ملی و بین‌المللی و مغایر با ارزش‌های جنبش المپیک و روحیه ورزشی است. اقدامات کمیته بین‌المللی در مبارزه با دوپینگ منجر به تأسیس آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ شد. ضوابط مبارزه با دوپینگ وادا (WADA) در سال ۲۰۰۳ تصویب شد و کمیته‌های ملی المپیک ملزم به پیروی از آن‌ها شدند. در کنوانسیون یونسکو با موضوع مبارزه با دوپینگ (۲۰۰۵ م.) ضوابط وادا توسط ۱۳۹ کشور حاضر لازم‌الاجرا شناخته شد. دوپینگ گسترده روسیه پیش از مسابقات المپیک ریو - ۲۰۱۶ سبب شد که کمیته بین‌المللی المپیک بخش جدیدی از دیوان داوری ورزش با عنوان بخش مبارزه با دوپینگ را تأسیس کند و به کار گیرد. طبق قوانین بخش ویژه و با در نظر گرفتن مواد تخصصی مربوط به دوپینگ و بر مبنای حقوق بین‌المللی خصوصی سوییس کار خود را در مسابقات ریو شروع کرد. وظایف این بخش شامل دریافت دادخواست مربوط به دوپینگ، تشکیل هیأت‌منصفه جهت رسیدگی به پرونده با رعایت بی‌طرفی و استقلال داوران، دادرسی طبق ضوابط وادا و اصول عمومی حقوق (کارگیری اصول دادرسی و رعایت تشریفات قانونی)، صدور رأی ۲۴ ساعت بعد از دریافت دادخواست و در صورت لزوم بعد از اتمام مسابقات، بازبینی نمونه‌های آزمایشی در حین

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mehdi_zahedii@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

مسابقات است. دیوان داوری ورزش در این دوره از مسابقات توانست بی طرفی و کارآمدی خود را در حل و فصل اختلافات مربوط به دوپینگ نشان دهد.

واژگان کلیدی

دوپینگ، دیوان داوری ورزش، رویه، سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ (وادا)

مقدمه

در قرن نوزدهم میلادی داوری تکامل یافته و کنفرانس‌های صلح لاهه دولت‌ها را تشویق کرد که اختلاف‌های خود را از طریق یک کمیسیون داوری حل و فصل کنند. در ماده اول کنوانسیون حل و فصل مخاصمات بین‌المللی لاهه (۱۹۰۷ م.) آمده است: «به منظور پیشگیری از توسل به زور در روابط میان دولت‌ها تا حد ممکن قدرت‌های متعاقد شایسته می‌بینند که همه تلاش خود را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی به کار گیرند» (۱).

جهان ورزش هم متشکل از قلمروهای متعددی است که انسان دوستی، صلح و برابری را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند، ولی با وجود این، در عصر حاضر دیگر نمی‌توان ورزش را فقط وسیله‌ای برای سرگرمی و تفریح یا ابزاری برای تکامل جسمانی و معنوی افراد برشمرد، زیرا تخصصی‌بودن ورزش و حضور آن در عرصه تجاری به شکل ورزش حرفه‌ای و تولید محصولات ورزشی و محبوبیت آن در سرتاسر جهان به یمن اقدامات شبکه‌های تلویزیونی از سویی بر اهمیت آن افزوده است و از سوی دیگر سبب بروز اختلافات متعدد مرتبط با ورزش از جمله دوپینگ، خشونت در ورزش و نقض قراردادها شده است.

بارون کوبرتن احیاکننده بازی‌های المپیک بنیانگذار کمیته بین‌المللی المپیک، بازی‌های را تنها یک رویداد ورزشی قلمداد نمی‌کند. وی معتقد است که بازی‌های المپیک نقطه عطفی برای وسیع‌تر کردن حرکت فرهنگی و اجتماعی است. حرکتی که ضمن آن ورزش و بازی سبب رشد و تکامل انسان می‌شود و جهان را تبدیل به مکان و فضایی برای سالم زیستن می‌کند. کوبرتن و همکارانش به دنبال تنش‌زدایی و رفع بحران‌های عمیق سیاسی و اجتماعی آن روز فرانسه و جهان بودند. آن‌ها معتقد بودند که مشارکت جوانان در رویدادهای ورزشی منجر به پیدایش یک نهضت خواهد شد. نهضتی که می‌تواند به مناقشات بین‌المللی به نحو شایسته‌ای پایان دهد و در ضمن حاوی صلح و دوستی و تفاهم ملل باشد (۲).

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، توسعه ورزش در عرصه بین‌المللی شتاب فزاینده‌ای پیدا کرد. گسترش ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و سازمان‌های مربوطه سبب شد که تعداد و کیفیت دعاوی و اختلافات ورزشی تغییر کند. در این شرایط کمبود یک نهاد بی‌طرف و متخصص بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات ورزشی احساس شد. ایده تأسیس نهاد بین‌المللی داوری ورزشی توسط خوان آنتونیو سامارانش ریاست سابق کمیته بین‌المللی المپیک مطرح

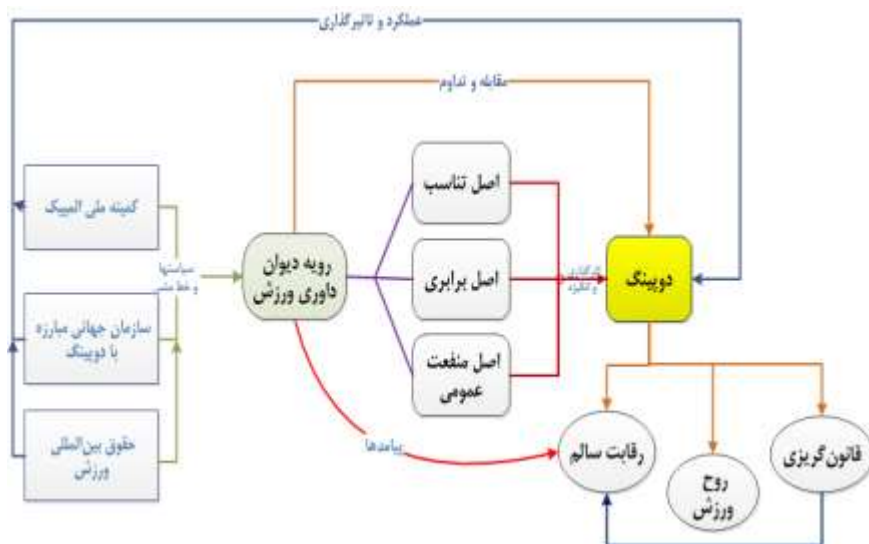
شد. دیوان داوری ورزش پس از تأسیس مراحل مختلفی را پشت سر گذاشت تا توانست به عنوان مرجعی معتبر جهت حل اختلاف‌های ورزشی شناخته شود و بتواند جایگزین مطمئنی برای دادگاه‌های ملی باشد.

پس از ارائه پیشنهاد ریاست کمیته بین‌المللی المپیک مبنی بر لزوم تأسیس یک نهاد قضایی بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات ورزشی، کمیته بین‌المللی المپیک تصمیم به تأسیس این نهاد گرفت. پیرو این تصمیم یک گروه سه نفره تشکیل شد که همگی از اعضای کمیته بین‌المللی المپیک بودند. ریاست این گروه را کبا امبای از کشور سنگال که در آن زمان قاضی بین‌المللی در هاگ بود، بر عهده داشت. در نشست کمیته بین‌المللی المپیک در نیودلهی (۱۹۸۳ م.) قوانین دیوان داوری ورزش تدوین شد و در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۴ به تصویب رسید. سپس با افزودن موارد جدید و تکمیل متن، لازم‌الاجرا شد (۳).

الگوی مفهومی مطالعه

دیوان داوری ورزش بر اساس تکالیفی که بر عهده دارد و این تکالیف را از مبادی مختلفی کسب کرده است برخی از آن‌ها را از سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ، کمیته ملی المپیک و حقوق مختلف از جمله حقوق بین‌المللی و به طور خاص از حقوق سوییس کسب کرده است. در این راستا دیوان داوری ورزش در مقابله با دوپینگ ساز و کارها و رویه‌های مختلفی را اتخاذ و بر اساس آن‌ها عمل می‌کند. اصولی مانند اصل تناسب، برابری، منفعت عمومی و... از جمله این اصول هستند. رعایت این اصول و رویه‌ها سبب شده است تا این دیوان به عنوان حکمیت در عرصه ورزش در نظر گرفته شده و آرای آن الزام‌آور و در راستای احقاق حق و رعایت عدالت تلقی شود.

در این مطالعه با رویکرد تحلیل موردی به رویه‌های دیوان داوری ورزش در مقابله با دوپینگ در ورزش پرداخته‌ایم. مورد مورد مطالعه برخی از آرای دیوان در پرونده‌های مربوط به دوپینگ و ساز و کارهای تأسیس و اقدام است. الگوی زیر به عنوان الگوی مفهومی و روشی مطالعه حاضر مد نظر قرار گرفته است.



رابطه بین دیوان داوری ورزش و حقوق بین‌المللی ورزش

از اوایل دهه هشتاد میلادی توسعه ورزش در عرصه بین‌المللی شتاب فزاینده‌ای یافت و گسترش و پیشرفت ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و سازمان‌های مربوطه سبب شد که تعداد و کیفیت دعاوی و اختلاف‌های ورزشی تغییر کند. در این شرایط، کمبود یک نهاد بین‌المللی مستقل جهت رسیدگی به اختلافات حوزه ورزش و حل و فصل بی‌طرفانه آن‌ها احساس شد. تأسیس دیوان داوری ورزش (CAS)، این نهاد حقوقی با اهداف زیر همراه بود:

۱- دسترسی آسان ورزشکاران و افراد حوزه ورزش؛

۲- تدوین مقررات؛

۳- انجام دادرسی با هزینه معقول؛

۴- تشکیل یک نهاد دادرسی مستقل از دادگاه‌های ملی؛

۵- به کارگیری قضات متخصص در امر ورزش؛

۶- تأسیس دیوان داوری ورزش.

موضوع حقوق ورزش برای نخستین بار در بخش تربیت بدنی و ورزش دانشگاه آریستون یونان مطرح گردید (۱۹۸۴ م.). در آن هنگام دانشگاه در حال تهیه طرح درس برای رشته تربیت بدنی و ورزش بود. این موضوع با عنوان مقررات ورزشی جزء واحدهای درسی رشته

تربیت بدنی و ورزش دانشگاه مطرح و به مدت ۶ سال تدریس شد. به تدریج اهمیت آن مورد توجه قرار گرفت، به طوری که امروزه با عنوان حقوق ورزش به کار می‌رود. نخستین کنگره ملی حقوق ورزش در سال ۱۹۹۰ با هدف ارتقای پژوهش‌ها در زمینه حقوق ورزش و علمی کردن این رشته در آتن برگزار شد. در سال ۱۹۹۲ نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ورزش در دانشگاه آتن برگزار شد و در آن تأسیس انجمن بین‌المللی حقوق ورزش مطرح گردید (۴). از آن پس کنگره هر سال برگزار می‌شود و به موضوعات مربوط به حقوق ورزش می‌پردازد، از جمله حقوق ورزش و تجارت (۲۰۰۳ م.)، اجرای حقوق ورزش و بازی‌های المپیک (۲۰۰۴ م.) و مبارزه با خشونت در ورزش (۲۰۰۵ م.).

نفزیگر حقوق بین‌الملل ورزش را یک فرآیند معتبر تصمیم‌گیری و اصول حقوقی برشمرده است و آن را بیشتر موضوعی مربوط به حقوق بین‌الملل می‌داند تا مرتبط با حقوق ورزش. وی یکی از ابعاد اصلی حقوق بین‌الملل ورزش را عرف برمی‌شمرد که همان اصول کلی حقوق بین‌الملل است (۵). نظر وی اشاره دارد به منشور المپیک که شامل اصول کلی، عرف، تصمیمات معتبر و قابل اجرا در مسابقات المپیک است و مبنای هنجارهای حقوق بین‌الملل ورزش را تشکیل می‌دهد. وکیل نیز اشاره می‌کند که به موجب حقوق بین‌الملل عمومی، جایگاه خاص نهضت المپیک و سازمان‌های آن به خصوص کمیته بین‌المللی المپیک، به خوبی تثبیت یافته است (۶).

حقوق بین‌الملل عمومی ورزش عنصر اصلی حقوق بین‌الملل ورزش است. وقتی که ورزش موضوع داغ مباحث و مراجع حقوقی می‌شود، حقوق بین‌الملل عمومی ورزش ابزار مناسبی برای حل و فصل دعاوی به شمار می‌رود و با اساسنامه‌ها و مقررات سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بر ورزش بین‌الملل نظارت می‌کند. حقوق بین‌الملل عمومی ورزش با چهار حوزه اختصاصی سر و کار دارد:

- ۱- آپارتاید و سایر شکل‌های تبعیض در ورزش؛
- ۲- حفظ آرامش در حین برگزاری بازی‌های المپیک و جلوگیری از بروز خشونت در رویدادهای ورزشی و مسابقات؛
- ۳- دوپینگ ورزشی و مبارزه علیه آن؛
- ۴- چالش‌های مربوط به «حق بر ورزش» به عنوان یکی از حقوق بشر.

دوپینگ در حقوق ورزش

در حقوق ورزش دوپینگ تخلف است. ورزشکار مکلف است از ورود ماده ممنوعه به بدن خود جلوگیری کند. اگر ماده ممنوعه یا مواد حاصل از سوخت و ساز یا نشانگر (مارکر) آن در نمونه آزمایشی (خون و ادرار) پیدا شود، مسؤولیت بر عهده ورزشکار است (فصل دوم، بند ۱-۱، ضوابط WADA). در حقوق ورزش با متخلف دوپینگ طبق رویه مسؤولیت مطلق رفتار می‌شود. طبق این قاعده اعم از این که هدف ورزشکار نقض مقررات باشد یا نباشد، مجازات می‌شود که البته به سبب نادیده‌گرفتن اصل برائت (ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی - سیاسی، ۱۹۶۶ م.) مورد انتقاد قرار گرفته است (۷).

طبق ضوابط جهانی مبارزه با دوپینگ (فصل دوم ماده ۸ تا ۸) موارد زیر تخلف به شمار می‌رود:

- وجود یک نوع ماده ممنوعه، مواد حاصل از سوخت و ساز آن و یا نشانگرهای آن در نمونه اخذشده از ورزشکار.

- مصرف یا تلاش برای مصرف یک ماده ممنوعه یا به کارگیری روش ممنوعه.

- امتناع از شرکت در نمونه‌گیری، غیبت یا طفره‌رفتن از شرکت در نمونه‌گیری بدون دلایل قانع‌کننده.

- در اختیار قراردادن اطلاعات لازم درباره محل حضور ورزشکار جهت نمونه‌گیری خارج از مسابقات (نمونه‌گیری بدون اطلاع قبلی در خارج از مسابقات از اصول بنیادین فعالیت‌های مبارزه با دوپینگ است. در نتیجه بدون اطلاع از محل اقامت ورزشکار انجام این کار غیر ممکن است، وی باید اطلاعات مربوط به محل استقرار خود را به طور مرتب در اختیار سازمان مربوطه قرار دهد).

- دستکاری این تلاش در هریک از مراحل کنترل دوپینگ.

- مالکیت مواد و روش‌های ممنوعه.

- خرید و فروش هر گونه مواد ممنوعه.

- همکاری، تجویز یا قصد تجویز یک ماده یا روش ممنوعه به ورزشکاران همکاری، همدستی،

تشویق، حمایت، معاونت مخفی کردن مشارکت (۸).

دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزش

موضوع دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزش نیز در معاهدات و بیانیه‌های بین‌المللی قابل پیگیری است، در بخش دوم منشور المپیک، بند سوم، هدف جنبش المپیک کمک به ساختن جهانی صلح‌آمیز و بهتر با آموزش جوانان از طریق ورزش، بدون هر گونه تبعیض و مطابق با روح المپیک است که نیاز به درک متقابل با روح دوستی، همبستگی و بازی جوانمردانه را طلب می‌کند (۹). فلسفه المپیک احترام به اصول اخلاقی را در کنار ارتقای توانایی‌های جسمانی ترویج می‌کند، بدین ترتیب مصرف مواد نپروزا با روح المپیک مغایرت دارد.

روح ورزش موارد اخلاق، بازی منصفانه، صداقت، سلامت، عملکرد عالی، آموزش، سرگرمی و تفریح، کار گروهی، همکاری و اتحاد را دربر دارد. همین روح ورزشی است که آن را از سیرک یا نمایش‌های تفریحی متمایز می‌سازد. ورزش فعالیتی است که برای ارتقای سطح سلامتی و طول عمر افراد انجام می‌شود، نه ناتوانی و از بین بردن آن‌ها (۱۰).

سند بین‌المللی دیگر منشور تربیت بدنی و ورزش یونسکو (۱۹۷۸ م.) است که در آن انجام ورزش به منظور ترویج ارزش‌های معنوی و اخلاقی یکی از عناصر کلیدی به شمار می‌آید (۹). بنابراین ورزشکاری که مرتکب دوپینگ شده است، با زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی ورزش می‌کند. در کنوانسیون یونسکو با موضوع مبارزه با دوپینگ در ورزش (۲۰۰۵ م.)، از نمایندگان ۱۳۹ کشور درخواست شد که در قوانین خود ضوابط ضد دوپینگ را وضع کرده و از ضوابط WADA پیروی کنند. مجلس جمهوری اسلامی ایران هم این کنوانسیون را تصویب کرد (۱۳۸۸ ش.) و قانون عضویت ایران در WADA به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید (۱۳۹۰ ش.). طبق ماده ۱۳ اعلامیه ۱۹۴۹ درباره حقوق و وظایف دولت‌ها مقرر شده است که «هر دولتی مکلف است تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل را با حسن نیت انجام دهد و نمی‌تواند به مقررات قانون اساسی و یا دیگر قوانین داخلی خویش استناد جوید و آن‌ها را به عنوان عذری جهت استتکاف از انجام این وظیفه قلمداد کند» (۱۱). بنابراین لازمست که کشورهای پذیرنده ضوابط WADA، از آن‌ها پیروی کرده و امکانات آموزشی لازم برای ورزشکاران و تجهیزات مورد نیاز را فراهم سازند.

رویه دادرسی در بخش ضد دوپینگ دیوان داوری ورزش

بخش دیگر دیوان داوری ورزش که از سال ۲۰۱۶ م. با بازی‌های المپیک ریو تأسیس شد، بخش ضد دوپینگ است که موضوعات مربوط به دوپینگ در حین برگزاری بازی‌های جهانی را بررسی و رأی صادر می‌کند. نیاز به تأسیس بخش ویژه ضد دوپینگ در مقر بازی‌های المپیک و بازی‌های جهانی پس از گزارشی که مک‌لارن منتشر کرد، احساس شد. وی در گزارش خود تأکید کرد که در جریان بازی‌های المپیک سوشی (۲۰۱۴ م.) روسیه با کمک امکانات دولتی دوپینگ کرده و مسؤولان این کشور روی دوپینگ ورزشکاران خود سرپوش گذاشته‌اند. خبرگزاری دویچه وله آلمان هم نوشت که با آزمایشگاه مسکو برای محافظت از ورزشکاران به درخواست دولت نتایج را جعل کرده، یا آزمایشگاه سوشی نمونه‌های آزمایش را عوض کرده است. همچنین وزیر ورزش روسیه جعل نتایج آزمایشات دوپینگ و نمونه‌ها را زیر نظر داشته و کنترل کرده است و سازمان امنیت روسیه و مرکز تربیت بدنی روسیه هم در این رسوایی نقش داشته‌اند. از بین ورزشکاران روسیه ۱۱۷ نفر در رشته وزنه‌برداری، ۲۸ نفر در رشته کشتی، ۲۷ نفر در رشته قایقرانی کانو و ۲۶ نفر در رشته دوچرخه‌سواری، ۳۷ ورزشکار غیر المپیکی، ۳۵ نفر ورزشکار پارالمپیکی آلوده به دوپینگ شناخته شدند. اسامی آن‌ها بر اساس مدارک در اختیار خبرنگاران قرار گرفت. این موضوع سبب شد که دیوان داوری ورزش در کنار بخش ویژه، یک شاخه دیگر را تشکیل دهد. بنابراین برای نخستین بار در تاریخ بازی‌های المپیک، دادگاه بدوی مربوط به دوپینگ تشکیل شد. این دادگاه به طور مستقیم موضوعات دوپینگی را بررسی کرده و می‌تواند تعلیقات نظارتی وضع کند. دیوان داوری ورزش یک محل تبادل نظر برای ورزشکاران و فدراسیون‌های ورزشی فراهم کرده است تا بتوانند اختلاف‌های خود را از طریق یک هیأت داوری ورزشی منفرد، مستقل و ماهر که می‌تواند به طور پیوسته قوانین نهادهای مختلف ورزشی را به کار برده و با استفاده از دانش حقوق و تخصص‌های مرتبط، عدالت و یکپارچگی در ورزش را تضمین کند، حل و فصل نمایند.

رویه دیوان داوری ورزش در پرونده‌های دوپینگ

دیوان داوری ورزش در دادرسی پرونده‌ها به خصوص (مربوط به دوپینگ) از اصول یادشده در کنار اصول عمومی حقوق که در دادگاه‌ها به کار می‌روند، پیروی می‌کند.

۱- اصل منفعت عمومی

در مورد دوپینگ، مسؤولان مربوطه بر این باورند که مبارزه علیه دوپینگ با هدف ایجاد و حفظ شرایط برابر برای مسابقه‌دادن و اطمینان از تمامیت و حفظ سلامتی ورزشکاران انجام می‌گیرد. در واقع دادگاه‌های سویس اهداف یادشده را با در نظرگرفتن منفعت عمومی و خصوصی پی می‌گیرند و بدین معنا نیست که باید یک مجازات خاص تحت ماده ۲۸ بند ۲ ضوابط شهروندی سویس تعیین شود، بلکه باید با در نظرگرفتن شرایط پرونده ارزیابی شود. به خصوص این نکته مورد توجه باشد که مجازات فرض شده نباید اصول بنیادین حقوق سویس از جمله اصل تناسب و حق دادرسی برابر را نقض کند.

۲- رعایت اصل برابری

همه افراد در برابر قانون با هم برابرند و این اصل فقط در کشور سویس به کار نمی‌رود، بلکه در همه کشورهای متمدن مطرح است. ماهیت ضوابط آژانس با هدف هماهنگی قوانین مبارزه با دوپینگ در جهان اینست که حق برابری افراد باید نتیجه فرعی اجرای ضوابط آژانس باشد، هرچند این حق زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که حقوق یک متهم باید رعایت شود. در این بین مجازات تعیین شده باید برابر با مجازاتی باشد که برای ورزشکاران دیگر متخلف به دوپینگ تعیین شده است، در غیر این صورت حق ورزشکار نادیده گرفته شده است. به طور مثال، فدراسیون بین‌المللی وزنه‌برداری پس از انتشار نسخه ضوابط آژانس در سال ۲۰۰۹ مجازات تعیین شده برای ارتکاب دوپینگ در بار اول را به جای ۲ سال محرومیت به ۴ سال افزایش داد، البته واضح است که تعدادی از سازمان‌های ملی مبارزه با دوپینگ که در قلمرو کشورشان مسؤول شناخته می‌شوند، مدت زمان محرومیت را ۲ سال در نظر گرفتند. نتیجه این شد که برای وزنه‌برداران آن کشورها مجازاتی کم‌تر از وزنه‌بردارانی که به طور مستقیم توسط فدراسیون بین‌المللی وزنه‌برداری مجازات می‌شدند، تعیین شود. بدین ترتیب، طول مدت محرومیت به ملیت ورزشکار و این که پرونده وی توسط فدراسیون بررسی شود یا سازمان ملی مبارزه با دوپینگ کشورش، بستگی پیدا کرد.

۳- رعایت اصل تناسب

به موجب اصل تناسب، رأی صادره یا مجازات تعیین شده باید متناسب با جرم باشد. در مورد دوپینگ دادگاه باید در نظر بگیرد که آیا مجازات فرض شده با شرایط وقوع جرم متناسب

دارد؟ اصل تناسب در بیشتر نظام‌های حقوقی سوییس، حقوق اتحادیه اروپا و اصول عمومی حقوق ورزش به کار می‌رود و به خصوص نقش مهمی در تعیین مجازات‌های دوپینگ ایفا می‌کند. در حقوق سوییس طبق این اصل مقام عمومی و اداری در اتخاذ تصمیم باید به معنا و هدف قانون توجه کرده و در استفاده از روش‌ها و ابزارهای تصمیم‌گیری بر اساس معنی و هدف قانون اقدام کند، یعنی باید رابطه معقولی بین نتایج حاصله و تصمیم اتخاذشده وجود داشته باشد و هر گونه محدود کردن حقوق و آزادی‌های اشخاص باید در حد ضرورت اعمال شود. همچنین اگر مقام عمومی خارج از حد معقول حقوق و آزادی‌های اشخاص را محدود کند، دادگاه فدرال با اعمال «اصل متناسب‌بودن» تصمیم اتخاذشده را ابطال می‌کند (۱۲).

این اصل سه قاعده (شرط) دارد:

۱-۳- قابلیت: قوانین وضع شده باید قابلیت تأمین اهداف مورد نظر را داشته باشند. برای تشخیص این قابلیت، سنجش و ارزیابی آثاری که قوانین در گذشته از خود به جا گذاشته است و آثار آن در آینده سودمند است (۱۳). در رابطه با دوپینگ، مجازات باید برای ورزشکار اثر بازدارنده داشته باشد، البته واضح است که محرومیت‌های طولانی مدت برای بیشتر ورزشکاران اثر بازدارنده خواهد داشت (۷).

۲-۳- ضرورت: از بین تدابیر متعددی که می‌تواند هدف مورد نظر را تأمین کند، باید تدبیری اتخاذ شود که کم‌ترین لطمه را به منافع و آزادی‌های فردی وارد می‌کند. این اصل به اثر بازدارندگی مجازات مرتبط است و ضرورت تعیین مجازات‌های شدید برای متخلف به دوپینگ را شامل می‌شود. به طور مثال، دادگاه عالی اونتاریو در مورد بن جان سون و ارتکاب دوپینگ برای بار دوم، مجازات محرومیت مادام‌العمر را تعیین کرد و اظهار داشت: یک تنبیه مؤثر باید اطمینان بدهد که عواقب ناشی از تقلب بیش از فواید حاصل از آن است (۷).

۳-۳- تناسب به مفهوم خاص: باید در هنگام وضع قوانین منافع خصوصی و عمومی مورد توجه قرار گیرد و اثر تدابیر مورد نظر نسبت به هر یک از آن‌ها ارزیابی شود تا بتوان اهمیت این تدابیر را در تأمین منافع عمومی سنجید، در غیر این صورت نامناسب تلقی می‌شود. در این مورد باید ارزش‌های حاکم بر جامعه و تجزیه و تحلیل واقعیات عینی زندگی اجتماعی و فردی با هم مقایسه شود. با توجه به این اصل بسیاری از حقوقدانان مدت زمان ۲ سال محرومیت برای ارتکاب دوپینگ برای اولین بار را غیر قابل قبول می‌دانند، زیرا مدت زمان

حرفه‌ای ورزشکار در بعضی از رشته‌ها بسیار کوتاه است و پس از طی دوران محرومیت سن ورزشکاران اجازه شرکت در مسابقات ورزشی را نخواهد داد. بعضی موافق بر این هستند که این مدت به یک سال کاهش یابد. در پرونده کارابه و دادگاه آلمان، محرومیت ۴ ساله تعیین شده از سوی فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی کاهش یافته و توجه به اصل تناسب و انعطاف‌پذیری در تعیین مجازات را خاطرنشان کرد (۷).

دیوان داوری ورزش پیش از تصویب ضوابط WADA و پس از آن اصل تناسب را به کار برده است. پیش از تصویب ضوابط آژانس مجازات‌های غیر قابل‌تغییری در مورد ارتکاب دوپینگ اعمال می‌شد. در پرونده فوشی (Foschi) و فدراسیون بین‌المللی شنا (۱۹۹۶ م.) مدت محرومیت ورزشکار از ۲ سال به ۶ ماه کاهش یافت (وی ۱۳ سال داشت، مقصر نبود و عملکرد ورزشی وی تحت تأثیر مصرف ماده ممنوعه تقویت نشده بود) (۱۴).

بعد از تصویب ضوابط آژانس مکانیسم‌هایی تعیین شد که از طریق آن‌ها مجازات‌ها تخفیف پیدا می‌کرد یا حذف می‌شد (ماده ۵-۱۰ ضوابط آژانس). در توضیح بند ۵ ماده ۱۰ آمده است: «در پرونده‌های دوپینگ گرایش به این سمت است که در حین دادرسی راه‌هایی برای تخفیف در مجازات ورزشکاران پیدا شود» (۱۵).

در پرونده WADA و فدراسیون بین‌المللی شنا (۲۰۰۵ م.) دیوان داوری ورزش در پاراگراف ۱۳۹ اظهار داشت که در رعایت اصل تناسب، محرومیت باید متناسب با جرم تعیین شود و نباید فراتر رود. ورزشکار (S) در سال ۲۰۰۴ در مسابقات جام جهانی شنای اوپن زنان اروپا شرکت کرد. پس از مسابقه از وی نمونه گرفته شد. نتیجه آزمایش نشان داد که در نمونه گرفته شده از ورزشکار متابولیت‌های مواد استروئیدی آندروژنیک وجود دارد که در فهرست ۲۰۰۳ آژانس جز مواد ممنوعه بود. فدراسیون بین‌المللی شنا ورزشکار را مادام‌العمر از شرکت در مسابقات محروم کرد. ورزشکار با کمک وکیلش به دیوان داوری ورزش تجدید نظرخواهی کرد. او ادعا کرد که ماده ممنوعه در پمادی وجود داشته که وی برای درمان زخم پایش استفاده کرده و توسط مادرش به وی داده شده است. در دسامبر ۲۰۰۴ جلسه استماع با حضور نماینده بخش دوپینگ فدراسیون بین‌المللی شنا برگزار شد و مجازات ورزشکار به ۱ سال کاهش یافت. علت اتخاذ این تصمیم این بود که ورزشکار ندانسته مرتکب تخلف شده بود.

در پرونده سیدعلی حسینی ورزشکار ایرانی متهم به دوپینگ که توسط فدراسیون بین‌المللی وزنه‌برداری جهان به صورت مادام‌العمر محروم شده بود، پس از اعتراض وی به دیوان داوری ورزش (CAS) (۲۰۰۹ م.) از تخفیف مجازات برخوردار شد و در بار اول به مدت ۱۲ سال و با اعتراض مجدد به مدت ۸ سال محرومیت محکوم شد. وی توانست در مسابقات جهانی ۲۰۱۷ نایب‌قهرمان جهان شود.

روند دادرسی در دیوان داوری ورزش طبق ضوابط وادا (WADA) و در چارچوب اصول دادرسی و با تشریفات قانونی طی می‌شود. ورزشکار یا شخصی که پرونده مربوط به اوست، طرف دعوی، فدراسیون بین‌المللی یا سازمان ملی مبارزه با دوپینگ که اعمال محرومیت طبق قوانین آن‌ها صورت گرفته، کمیته ملی المپیک (IOC) و کمیته بین‌المللی پارالمپیک که تصمیماتشان بر نتیجه مسابقات تأثیرگذار است، می‌توانند تقاضای تجدید نظر و اعتراض نسبت به اتهام دوپینگ را به دیوان ارائه دهند (فصل ۱۳-۲ ضوابط وادا). طبق ماده ۱۳-۲ ضوابط وادا، حق ورزشکار است که تقاضای تجدید نظر کند.

در سطح ملی ورزشکار باید به یک ارگان مستقل و بی‌طرف که قوانین آن سازگار با قوانین وادا است مراجعه کند. اعتراض نسبت به رد معافیت درمانی توسط دادگاه ملی یا سازمان ملی مبارزه با دوپینگ باید توسط وادا به اطلاع دیوان داوری ورزش برسد. دادرسی در بخش مبارزه با دوپینگ دیوان داوری ورزش توسط داوران بیطرف، متخصص و باتجربه‌ای که شورای کمیته بین‌المللی المپیک آن‌ها را انتخاب می‌کند، صورت می‌گیرد. قوانین حاکم بر تقاضای تجدید نظر شامل دادرسی به موقع، تشکیل شورای داوری بی‌طرف و منصف، حق استفاده از مشاور، ارائه دادخواست کتبی و دلایل کافی است (فصل ۱۳، بند ۲-۲ ضوابط وادا) (۱۵).

ماده ۱۲ قوانین ADD به عدم وابستگی، با کفایتی و تجربه داوران در زمینه دوپینگ اشاره می‌کند. آن‌ها باید در هر زمان در طول مدت بازی‌های المپیک و در صورت نیاز در بعد از مسابقات در دسترس باشند. هیچ یک از داوران نمی‌توانند به طرفین دعوی یا هر فرد دیگر در بخش مبارزه با دوپینگ مشاوره بدهند.

طبق ماده ۱۵ قوانین بخش مبارزه با دوپینگ دیوان داوری ورزش، هیأت منصفه باید دادرسی را به طور مناسب و با در نظر گرفتن نیازها و شرایط و تمایلات طرفین دعوی به خصوص با رعایت حق استماع شایسته انجام دهد. سرعت و کیفیت دادرسی مد نظر قرار گیرد

و بررسی مدارک و مباحث به طور کامل تحت کنترل باشد. همچنین مقرر می‌دارد اگر یکی از طرفین در دادگاه حاضر نشود یا از دستورات پیروی نکند، هیأت منصفه به کار خود ادامه خواهد داد. رسیدگی به پرونده باید با توجه به زمان موجود انجام شود و طرفین حق دارند دادرسی را در مدت بیشتری ادامه دهند.

بنا بر ماده ۱۹ قوانین بخش مبارزه با دوپینگ دیوان داوری ورزش (CAS-ADD) رای صادره بلافاصله به اطلاع دو طرف می‌رسد. در مواردی رأی مقدماتی صادر شده و تصمیم نهایی بعداً اتخاذ می‌گردد. اطلاعات مربوط به پرونده شامل نام ورزشکار، کشور و رشته ورزشی‌اش تا زمانی که وادا (WADA) به طور عمومی حکم را اعلام نکرده است (چه احراز تخلف یا عدم احراز آن در دادرسی)، نباید توسط سازمان مبارزه با دوپینگ مربوطه منتشر شود (حفظ حریم خصوصی پیرو ماده ۱۲ بیانیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق مدنی - سیاسی مربوط به عدم مداخله در امور شخصی و حمله به شخصیت و اعتبار فرد). با در نظر گرفتن همه شرایط پرونده از جمله ماهیت، پیچیدگی اختلاف، قائل بودن حق استماع برای هر دو طرف و زمان لازم برای ثبت گزارش تصمیم نهایی ممکن است در حین مسابقات المپیک یا در زمان بعد از آن به اطلاع عموم برسد.

طبق ماده ۲۱، رأی صادره بلافاصله لازم‌الاجراست، اما می‌تواند با در نظر گرفتن قوانین داوری مسابقات المپیک، به بخش ویژه (CAS-AHD) مورد تجدید نظر قرار گیرد. اگر بخش ویژه فعالیت نداشته باشد، حداکثر تا ۲۱ روز بعد از صدور رأی، می‌توان تجدیدنظرخواهی را به دیوان داوری ورزش واقع در لوزان سوییس ارسال کرد.

هیأت منصفه می‌تواند در هر زمان هر گونه اقدام مناسب را در رابطه با مدارک و مستندات انجام دهد. در موارد خاص کارشناسی را مسؤول تهیه مدارک، اطلاعات یا هر گونه شواهد دیگر کند. همچنین می‌تواند تصمیم به پذیرش یا رد شواهد ارائه شده توسط طرفین بگیرد، در هر صورت هر دو طرف را مطلع می‌سازد.

نتیجه‌گیری

دوپینگ در ورزش با ارزش‌های جنبش المپیک و روح ورزش مغایرت دارد و مبارزه با آن از مهم‌ترین اقدامات کمیته بین‌المللی المپیک است که منجر به تأسیس بخش مبارزه با دوپینگ

دیوان داوری ورزش در مسابقات المپیک ریو گردید. دیوان داوری ورزش طبق ماده ۷۴ منشور المپیک و در فصل ۱۳ ماده ۲-۱ ضوابط وادام مرجع رسیدگی به پرونده‌های دوپینگ است. از آنجا که مقر دیوان داوری ورزش در سوییس است، دادرسی با رعایت حقوق فرد یا سازمان متهم به دوپینگ تحت قانون سوییس که احترام به حقوق شخصی فرد و رعایت اصل تناسب در تعیین مجازات و اصول عمومی حقوق (ماده ۱۷ قوانین بخش مبارزه با دوپینگ دیوان داوری ورزش) و انجام تشریفات قانونی (ماده ۱۰ قوانین بخش مبارزه) را دربر دارد، صورت می‌گیرد. رعایت بی‌طرفی و کفایت داوران از اصول مهم دادرسی است (ماده ۱۲ قوانین). بخش مبارزه با دوپینگ دیوان داوری ورزش در بازی‌های ریو برای نخستین بار ظاهر شد و توانست به عنوان یک نهاد داوری بی‌طرف و متخصص عملکرد قابل قبولی داشته باشد.

نظام حقوقی دیوان داوری ورزش یک تریبون آزاد و قابل دسترس برای هر دو طرف دعوی را فراهم آورده است. از جمله ورزشکارانی که صلاحیتشان برای شرکت در رقابت‌های بین‌المللی ورزشی از سوی کمیته بین‌المللی المپیک یا بر اساس قوانین فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی رد شده است. بخش ویژه حل اختلاف‌ها را به صورت سریع، منصفانه و رایگان تضمین می‌کند و همه مدعیان می‌توانند از خدمات مشاوره‌ای بهره‌مند شوند. در مسابقات المپیک وکلای داوطلب و با صلاحیت به صورت رایگان در دادرسی‌ها شرکت می‌کنند. نظام حقوقی دیوان داوری ورزش به منظور ایجاد یک محیط مناسب و مطمئن برای حل و فصل اختلاف‌های ورزشی به صورت مستقل و بی‌طرفانه تشکیل شده است. اعتراض المار گوندل نسبت به رأی دیوان داوری ورزش در سال ۱۹۹۳ به دادگاه فدرال سوییس سبب شد که بی‌طرفی این دادگاه مورد توجه نهادهای اداره‌کننده محیط حقوقی ورزش قرار گیرد. تأسیس شورای بین‌المللی دیوان داوری ورزش و جداسدن دیوان داوری ورزش از کمیته بین‌المللی المپیک نقطه عطفی بود که استقلال و بی‌طرفی این نهاد حقوقی را تضمین می‌کند. طبق ضوابط دادگاه باید بی‌طرفی قضات رعایت شود و در هر شرایطی که تردیدی نسبت به این موضوع وجود داشته باشد، با احترام به طرفین دعوی باید موضوع عدم وابستگی بر ملا شود، اما درباره بی‌طرفی این دادگاه اختلاف نظرهایی هم وجود دارد. از منظر منتقدین درست است که هر یک از طرفین می‌تواند آزادانه قاضی مورد نظر خود را برگزیند، اما تعداد آن‌ها محدود و ویژگی‌هایشان از لحاظ سن، جنسیت و ملیت، بسیار شبیه به هم است. مشاهده فهرست قضاتی که باید آموزش حقوقی دیده باشند، با حقوق

ورزش کار کرده و سوابق پرکاری هم در این زمینه داشته باشند، حاکی از این است که آن‌ها در سازمان‌های ورزشی مختلف، حتی جنبش المپیک هم سابقه فعالیت داشته‌اند. از سوی دیگر قاضی مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد، زیرا از سوی مدعی یا خوانده انتخاب شده است و هیچ توجیهی هم برای برخورد با قاضی خاطی وجود ندارد، به جز بررسی وضعیت بی‌طرفی یا عدم استقلال وی (۱۶).

پس می‌توان روی این مسأله پافشاری کرد زمانی دیوان دآوری ورزش می‌تواند به حل و فصل اختلافات مربوط به دوپینگ را بپردازد که اصول مهمی چون انصاف، بی‌طرفی و تناسب رعایت شود و ورزشکاران و دست‌اندرکاران حوزه ورزش احساس کنند که با ارجاع پرونده به CAS در مسیر درست و مطمئنی قرار گرفته‌اند.

References

1. Quoc Dinh N, Daillier P, Pellet A. Public international law. Translated by Habibi H. Tehran: Etelaat Publisher; 2002. [Persian]
2. Sajjadi N. Sport and international relations. Tehran: Hatmi Publisher; 1391. [Persian]
3. Richard M. Twenty-Five Years of the Court of Arbitration for Sport. 20 Marq Sports L Rev 2010; 20(2): 305-333.
4. Shokri N. Sport law. Tehran: Jungle Publisher; 1391. [Persian]
5. Nafziger J. Globalizing sports law. Marquette Sports Law Journal 1999; 9(2): 225-238.
6. Vakil A. International sport law and football. Tehran: Majd Publisher; 1394. [Persian]
7. Kaufmann-Kohler G. Legal opinion on the conformity of certain provisions of the Draft World Anti-Doping Code. Lausanne: WADA; 2003. p.1-57.
8. Shabani Moghaddam K. Court of arbitration for sport. Tehran: Denesh Publisher; 1393. [Persian]
9. Alipoor KH. International law and participation of women in Olympic Games. Tehran: Payam Publisher; 1394. [Persian]
10. Kurgat PK. Doping In Sport: The Spirit of Sports, Human Rights and Human Resource Development Dilemma. RUDN Journal of Law 2014; 3: 275-280.
11. Zamani S. International Law. Tehran: Shahr-e-Danesh Publisher; 1396. p.6. [Persian]
12. Mashhadi A. Principles and criteria of administrative juridical control in Swiss law. Law Journal of Political Sciences Faculty 1391; 42(3): 291-301. [Persian]
13. Ghasemi M. Legislation knowledge in the shadows of Constitutional Law. Constitutional Law Journal 1383; 2(3): 155-168. [Persian]
14. Unreported, CAS, Docket No CAS 651159, 1665 (Foschi).
15. Chalabi A. Sport law. 2nd ed. Tehran: Jungle Publisher; 1390. [Persian]

16. Mitten M, Opie, H. Sport Law: Implication for Development of International Comparative and National Law and Global Dispute Resolution. (June 16, 2010). Tulane Law Review, Forthcoming; Marquette Law School Legal Studies Paper No.10-31; U of Melbourne Legal Studies Research Paper No.483. Available at: <https://ssrn.com/abstract=1625919>